

درس نهم

چشمه

۱ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 ۲ سرمه چشمه
 ۳ گفت درین مسکه، یکتا منم
 ۴ چون بدوم، بمره در آغوش من

مَد غنچه
 مَد غنچه زن، چشمه نما، تیزپا
 مَد گاه چو تیزی که رود بر حدف
 مَد تاج سر گلبن و صحرا، منم
 مَد بوسه زنده بر سر و بردوش من

مَد چشمه را سقاره / صندل
 مَد تاج سر گلبن
 مَد تاج سر گلبن
 مَد تاج سر گلبن

در سینه کفشتن، دیرین، غمخیزان استند
 ۹۵ از سجدای رگ
 و آبسه ساز مخزون

رسمه ساز
رسمه نه

تخفین اسفاره

ماه بیند رخ خود را به من

۵ چون بکشایم ز سر مو، شکن
در این زمانه

زو بدد بس گهر تابناک

۲ ایند نشانی سحر جباران قهره باران که در افتد به خاک

از نجلی سر به گریبان برد

۲ نخر فروسی، کوید سوزنی
در بر من، ره چو به پایان برد

باغ ز من صاحب پیرایه شد

ابر ز من، حال سر بایه شد

می کند از پرتو من زندگی معلول

گل به همه رنگ و برانگیزی
۳ و صبی

رفت و ز مبدأ چو کی گشت دور

۲ در این این پرده نیلوفر تخفین اسفاره
۱۰ اسفاره اسفاره

ناله ای جوشنده ای

زین نمط آن مست شده از غرور
بهر: حریف: ز کعبه: برای

دیده یه کرده، شده زهره در

دید یکی بحر خروشنده ای
تخفین اسفاره

داده تنش بر تن سال، یله

نهره بر آورده، فلک کرده کرحنه
معلول

وان همه هنگامه دریا بید

راست به مانند یکی زلزله
۱۵ چشمه کوچک چو به آنجا رسید

خویشتن از حادثه برتر کشد

خواست کزان ورطه، قدم در کشد

کز همه شیرین سخنی، گوشش ماند

لیک چنان خیره و خاموش ماند

نیمای یوشیج (علی اسفندیاری)

هم پایه سازد

تخفین اسفاره
تخفین
تخفین اسفاره
تخفین

تخفین اسفاره
تخفین اسفاره

تخفین اسفاره
تخفین اسفاره

- ۳
- ۲
- ۲
- ۲
- ۱
- ۲
- ۲
- ۱
- ۴
- ۱
- ۲
- ۲
- ۲

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.
در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
- ۲ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.
«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیز پا»

قلمرو ادبی

- ۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
گه به دهان، بر زده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۲ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
- ۳ آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»
در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.
نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.
- ۴ هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند. کلمه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رفته باشد، «مجاز» نامیده می‌شود. مثال:

پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش سعدی

← اصطلاح مترجم حرف زدن

همان طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در بیت اول به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

اکنون به این بیت توجه نمایید:

بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید حافظ
در مصراع اول، واژه‌های «سر» و «دست» به ترتیب در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» و «قدرت و اختیار» به کار رفته‌اند.

در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

قلمرو فکری

- ۱ پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟
- ۲ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در»

۳ سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| خجل شد چو پهنای دریا بدید | یکی قطره باران ز ابری چکید |
| گر او هست حقا که من نیستم | که جایی که دریاست من کیستم؟ |
| صدف در کنارش به جان پرورید | چو خود را به چشم حقارت بدید |
| در نیستی کوفت تا هست شد | بلندی از آن یافت کاو پست شد |

۴ دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟

برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

تدوین برای بزرگی حصه

نتیجی فوری
ارز غنای

ضمیمه ۱۶

..... ۵

گنج حکمت خلاصه دانش‌ها

دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می کنی؟
 چوپان در جواب گفت: آنچه خلاصه دانش هاست، یاد گرفته‌ام.
 دانشمند گفت: خلاصه دانش‌ها چیست؟
 چوپان گفت: پنج چیز است:



- ✓ - تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم. *اصت راستی*
 - ✓ - تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم. *دوری از مال حرام*
 - ✓ - تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم. *سزای عیب جوئی / دوری از عیب*
 - ✓ - تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم. *بی نیازی از خلق / رزاق بودن خدا*
 - ✓ - تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم. *دوری از هوای نفس تا پایان عمر*
- دانشمند گفت: حقا که تمام علم را دریافته‌ای. هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

داستان‌های صاحب‌دلان، به کوشش **محمدی اشتهاردی**